

دو فصلنامه پژوهشنامه نسخه‌شناسی متون نظم و نثر فارسی

سال ششم، شماره شانزدهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰

معرفی نسخه شوقنامه عباسی و احوال و آثار مؤلف آن^۱

مهدی عسگری^۲

دانشجوی دکتری گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه ادیان و مذاهب قم (نویسنده مسؤول)

دکتر منصور نصیری^۳

دانشیار گروه فلسفه دانشگاه تهران (واحد پردیس فارابی)

چکیده

دوستانداران و منتقدان عرفان و تصوف در عالم اسلام همواره به مثنوی معنوی توجه داشته‌اند. برخی از اهل عرفان و تصوف به تلخیص و گزارش مثنوی معنوی پرداخته‌اند. شوقنامه عباسی یکی از این تلخیص‌ها و گزارش‌هاست. از این تلخیص و گزارش مختصر، تنها یک نسخه خطی تا زمان حاضر یافت شده است. این نسخه را عارف و فیلسوف گمنام عصر صفوی، علیقلی بن قرچغای خان نوشته است. نسخه منحصر به فرد شوقنامه عباسی در کتابخانه و موزه ملی ملک به شماره ۴۰۹۷/۵ نگهداری می‌شود. این نسخه در حاشیه نسخه دیگری از نویسنده‌ای ناشناخته است. آنچه در این پژوهش بررسی می‌شود، معرفی احوال و آثار نویسنده شوقنامه عباسی و معرفی نسخه و محتوای این تلخیص و گزارش از مثنوی معنوی است. روش

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۸

تاریخ وصول: ۱۴۰۰/۱/۱۱

mehdiaskari1371@gmail.com^۲

nasirimansour4@gmail.com^۳

پژوهش در این مقاله، توصیفی - تحلیلی و کتابخانه‌ای است. نتیجه اجمالی از بحث این است که تاکنون درباره احوال و آثار قرچغای خان تحقیق جامعی انجام نشده است و لازم است که رساله شوقنامه عباسی با همه کاستی‌هایش تصحیح و منتشر شود.

واژه‌های کلیدی

شوقنامه عباسی؛ مثنوی معنوی؛ علیقلی بن قرچغای خان؛ مولوی

۱- مقدمه

اهل عرفان و تصوف و دوستان ادب و زبان فارسی همواره به مثنوی معنوی، اثر ماندگار جلال‌الدین رومی (مولوی)، توجه داشته‌اند. بر این کتاب شرح و تفسیرهای مختلفی نوشته شده است. در این میان برخی از اهل عرفان و تصوف به تلخیص و گزارش این کتاب عظیم پرداخته‌اند. یکی از این گزارش‌ها لب‌اللباب مثنوی است که حسین واعظ کاشفی (م. ۸۴۰ ق.) نوشته است. گزارش دیگر، رساله عرفان مثنوی است که ملا محسن فیض کاشانی، عارف و فیلسوف عصر صفوی، آن را نوشته است. یکی دیگر از این گزارش‌ها شوقنامه عباسی است که عارف و فیلسوف گمنام عصر صفوی، علیقلی بن قرچغای خان نوشته است. این رساله به درخواست شاه عباس دوم نوشته شد؛ به همین سبب مؤلف نام آن را شوقنامه عباسی گذاشت. آنچه در این پژوهش بررسی می‌شود، احوال و آثار نویسنده این گزارش، یعنی علیقلی بن قرچغای خان و معرفی اثر او، شوقنامه عباسی است. تذکر چند نکته ضروری است: الف) در همه مقاله از علیقلی بن قرچغای خان به قرچغای خان تعبیر شده است؛ ب) در معرفی آثار قرچغای خان به جای مراجعه به فهرست‌ها و گزارشی که فهرست‌ها از کتاب‌های او داشته‌اند، تا حد امکان به خود نسخه‌های خطی وی مراجعه شده و گزارش‌ها براساس نسخه‌های خطی انجام شده است.

۱-۱- پیشینه پژوهش

تا آنجا که جست‌وجو شد، درباره شوقنامه عباسی تاکنون مقاله‌ای نوشته نشده و نسخه و محتوای آن به صورت مبسوط معرفی نشده است. درباره احوال و آثار قرچغای خان تنها مقدمه خانم دکتر فاطمه فنا بر /حیای حکمت قرچغای خان موجود است. انتشارات میراث مکتوب این کتاب را در سال ۱۳۷۷ منتشر کرد. با توجه به حدود بیست‌و‌اندی سال که از این مقدمه گذشته و آثار تازه‌یاب از قرچغای خان و اطلاعات جدیدی که درباره او یافت شده، لازم است در این مقاله به بررسی مجدد آثار و احوال این عارف و فیلسوف عصر صفوی پرداخته شود.

۲- احوال، استادان و آثار قرچغای خان

۱-۲ احوال

از زندگی قرچغای خان اطلاعات چندانی در دسترس نیست. مهم‌ترین منبع ما درباره سال تولد او مطالبی است که خودش در برخی از آثارش به آن‌ها اشاره کرده است. برخی سال تولد او را ۱۰۲۰ نقل کرده‌اند (امین، ۱۴۰۸، ج ۷: ۱۷۷)؛ اما وی در کتاب /حیای حکمت می‌نویسد: «اما حقیقت و ماهیت نور و شعاع بصری موجود به وجود خاص که موضوع علم مناظر و مرایاست تا حال تحریر که عمرم به شصت و شش سال رسیده است، در کتب حکمای متقدمین و متأخرین ندیده‌ام» (قرچغای خان، ۱۳۷۷، ج ۱: ۵۲۹). در جای دیگر می‌نویسد: «و چه آسان شد دفع آن شکوک و شبهات قویه عظیمه که علما و حکما را به حیرت انداخته و از زمان قدیم تا عصر ما که هزار و نود و یک از هجرت گذشته است، کسی دفع آن‌ها را چنان که باید نکرده است» (قرچغای خان، ۱۳۷۷، ج ۲: ۱۶۸). در عبارت دوم، تحریر کتاب در سال ۱۰۹۱ است و در عبارت اول به سن خودش - که ۶۶ سال است - اشاره کرده است؛ از این رو می‌توان گفت تاریخ تولد وی باید ۱۰۲۵ باشد. با توجه به آنچه از خود قرچغای خان نقل کردیم، سال تولد او باید ۱۰۲۵ باشد و قول ۱۰۲۰ تأمل‌برانگیز است.

نام وی را در منابع به صورت‌های مختلف ثبت کرده‌اند: «الشیخ علیقلی خان بن الأمير قرچغای خان التركمانی الاصفهانی القزوينی» (امین، ۱۴۰۸، ج ۷: ۱۷۷)؛ «علیقلی بن قرجه‌غای خان الخلخالی» (امین، ۱۴۰۳، ج ۸: ۲۶۸)؛ «علیقلی بن قرچغای خان» (آقابزرگ، ۱۴۰۳، ج ۷: ۱۵۴)؛ «علی‌نقی بن قرچغای» (همان، ج ۲۳: ۵۳). گویا در مورد اخیر اشتباهی رخ داده است؛ زیرا در موارد دیگر آقابزرگ اسم ایشان را «علیقلی بن قرچغای خان» یا «علیقلی بن قرچغای خان» ثبت کرده‌اند. نصرآبادی اسم او را علیقلی بیگ ثبت کرده است و می‌گوید که وی متولی قم بوده است (نصرآبادی، ۱۳۱۷: ۳۱).

پدر علیقلی بن قرچغای خان از امرای سلطان شاه عباس اول بوده است. از فرزندان او مهدی‌قلی خان را می‌شناسیم که مدرسه خان را در قم بنا نهاد که امروزه به مدرسه آیت‌الله بروجردی معروف است. برادر علیقلی، منوچهرخان بن قرچغای خان، مدتی حاکم مشهد و درون و خوبشان بوده است. منوچهرخان نزد مولانا محمدتقی مجلسی کتاب *من لا یحضره الفقیه* را درس گرفته بود. علیقلی به‌غیر از منوچهرخان، یک برادر دیگر به نام محمدعلی بن قرچغای خان نیز داشته است که فرزند او محمدکاظم رساله *سبعة سماویة* را کتابت کرده است (آقابزرگ، ۱۴۳۰، ج ۸: ۴۱۰). سال وفات وی مشخص نیست.

۲-۲ استادان

قرچغای خان در آثار خود تنها از ملا رجبعلی تبریزی در جایگاه استاد خود یاد می‌کند. وی در *احیای حکمت* در بحث از «موضوع» می‌نویسد: «... لهذا ما رسم موضوع را از استاد خود زبده العارفین مولانا رجبعلی - قدس سره - اقتباس کرده...» (قرچغای خان، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۷۰) و در بحث از *مجعول* و *موجود* بودن تمامی ممکنات نیز از مولانا رجبعلی با تعبیر «استاد ما» یاد می‌کند (قرچغای خان، ۱۳۷۷، ج ۲: ۴۴۲)؛ اما عده‌ای ملا شمس‌گیلانی و محقق خوانساری را نیز از استادان او ذکر کرده‌اند (امین، ۱۴۰۳، ج ۸، ۳۰۲؛ آقابزرگ، ۱۴۳۰، ج ۸: ۲۶۶). وی در فقه و حدیث نزد مجلسی اول (محمدتقی مجلسی) درس خوانده است (امین، ۱۴۰۸، ج ۷: ۱۷۷).

۳-۲ آثار

از قرچغای خان آثار چندی باقی مانده است که طیف نسبتاً گسترده‌ای از علوم را شامل می‌شود که عبارت است از: فلسفه، تصوف، منطق، کلام، تفسیر قرآن، شرح حدیث، مقتل، دعا و اخلاق. بخشی مهمی از آثار قرچغای خان به دستخط خود او برای ما باقی مانده است. آثار او را می‌توان در یک تقسیم‌بندی به آثار اصیل و آثار مشکوک تقسیم‌بندی کرد. البته تقسیم‌بندی دیگری را نیز می‌توان برای آثار او پیشنهاد داد: آثار منتشرشده و آثار مخطوط. ما براساس دسته‌بندی اول، آثار وی را گزارش می‌کنیم.

۱-۳-۲ آثار اصیل

زبور العارفين و براق العاشقين: قرچغای خان غرض از نوشتن این رساله را «أولاً التشويق التام والعشق الكامل، ثم الحركة التي تنبعث من الشوق التام، ثم الاتصال بالمشائق إليه الحقيقي تعالى وتقدس» می‌داند (قرچغای خان، ۱۳۸۲: ۱۱۸). این کتاب در یک مقدمه و چهار زبور و یک خاتمه نوشته شده است. این رساله را آقای علی اوسط عبدالعلی‌زاده (ناطق) تصحیح و در دفتر یازدهم کتاب حدیث شیعیه در صفحات ۱۰۷ تا ۲۸۶ منتشر کرده است.

مزامیر العاشقين: قرچغای خان در آغاز این رساله می‌نویسد: «وبعد، يقول الحقیير الفقير الله الحنان المنان علی بن قرچغای خان هذه زبدة من كتاب زبور العارفين... ورتبه علی مقدمه و ثلاثة أبواب و فصول و سمیته بمزامیر العاشقين...». همان‌طور که پیداست این کتاب خلاصه‌ای از کتاب بالا یعنی *زبور العارفين* است. از این رساله، دو نسخه موجود است. یک نسخه در کتابخانه مجلس به شماره ۵۹۳۶ و نسخه دیگر در کتابخانه مدرسه سپهسالار به شماره ۶۵۶۷ موجود است. زبان رساله عربی است.

ضیاء العابدین: این رساله درباره دعا و مشتمل بر یک مقدمه و سه لمعه و یک خاتمه است. «مقدمه، فی الحث علی الدعاء و آدابها؛ لمعة الأولى، عبادات الأیام؛ لمعة الثانية، عبادات

الشهور؛ لمعة الثالثة، عبادات السنين؛ خاتمة، في المناجاة الشريفة والدعوات اللطيفة والأحراز الحفيظة» (فنخا، ۱۳۹۰، ج ۲۱: ۱۰۱۹). از این رساله یک نسخه به خط مؤلف در کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی به شماره ۶۶۰۲ موجود است. زبان رساله عربی است.

الأربعون حديثاً: همان‌طور که از نام رساله پیداست، این رساله شرح چهل حدیث است. از این رساله یک نسخه در دانشکده الهیات دانشگاه تهران به شماره ۱۳۶/۱ و نسخه دیگر در کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی به شماره ۱۷۵۲۷/۱ موجود است. نسخه‌ای ناقص از این رساله در کتابخانه مدرسه سپهسالار به شماره ۵۲۶۷ نگهداری می‌شود.

خزائن جواهر القرآن: این کتاب در اصل تفسیر قرآنی است که از قرچغای‌خان باقی مانده است. در این کتاب روایات و آیات را با نظر فلاسفه تطبیق داده است (صدر، ۱۴۲۹، ج ۴: ۱۶۶). از این رساله هشت نسخه موجود است. البته ذکر این نکته ضروری است که همه نسخه‌ها کامل نیستند و هرکدام به تناسب بخشی از تفسیر را در بر می‌گیرند: نسخه اول به خط مؤلف در کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی به شماره ۹۱۳۹؛ نسخه دوم در کتابخانه دانشگاه تهران به شماره ۱۸۱۸/۱؛ نسخه سوم در کتابخانه معصومیه به شماره ۵/۸۹۹؛ نسخه چهارم در کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی به شماره ۱۳۰۲۵؛ نسخه پنجم در کتابخانه وزیری یزد به شماره ۴۱۵۶؛ نسخه ششم در کتابخانه مجلس به شماره ۱۴۲۲۵/۱۳؛ نسخه هفتم در کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی به شماره ۵۷۰۹؛ نسخه هشتم در کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی به شماره ۱۲۹۶.

شرح اثولوجیا: اثولوجیا از کتاب‌های مهم فلسفی است که در سنت اسلامی بسیار تأثیرگذار بوده است. بر این کتاب شرح‌های نوشته شده است که یکی از این شرح‌ها، شرح قرچغای‌خان بر این کتاب است (آقابزرگ، ۱۴۰۳، ج ۱۳: ۶۳). این رساله در قالب پایان‌نامه ارشد از خانم لیلا شاکری مهram با راهنمایی دکتر دینانی در مدرسه عالی شهید مطهری (مدرسه سپهسالار) در سال ۱۳۸۲ تصحیح شده است.

محرَق القلوب و الأکباد: قرچغای خان هدف از نوشتن این کتاب را سه چیز می‌داند: الف) وی در زمان خود کتاب‌هایی را می‌دیده که در آن‌ها احادیث موضوع وجود داشته است؛ از این رو در پی نوشتن کتابی برآمده است تا این نقیصه را جبران کند؛ ب) دلیل دیگر وی از نوشتن این کتاب این بوده که برخی از کتاب‌هایی که در زمان او وجود داشته است، شامل بحث‌های طولانی می‌شدند؛ ج) اما دلیل مهم و سبب اصلی وی از نوشتن این کتاب، آن بوده است تا با خواندنش، خواننده برای مصائب اهل بیت^(ع) گریان شود و با یادکرد آن‌ها به ماتم و عزا پردازد. از کتاب *محرَق القلوب و الأکباد* یک نسخه به شماره ۱۶۴۷۷ در کتابخانه ملی موجود است. در روی جلد این کتاب نوشته شده است: «محرَق القلوب و الأکباد نسخه منحصر به فرد». گویا نسخه دیگری از این کتاب موجود نیست. نسخه تاریخ کتابت ندارد و به دستخط خود مؤلف هم نیست.

احیاء الحکمة (احیای حکمت): این کتاب به زبان فارسی و در دو بخش طبیعیات و الهیات نوشته شده است. این کتاب را می‌توان آینه تمام‌نمای آرای قرچغای خان در مسائل طبیعی و الهی دانست. *احیای حکمت* را خانم دکتر فاطمه فنا در سال ۱۳۷۷ تصحیح کرد. انتشارات میراث مکتوب در دو جلد (طبیعیات و الهیات) این اثر را منتشر کرد. از این رساله دو نسخه موجود است. نسخه دانشگاه تهران به شماره ۸۷۸۸ که مبنای کار خانم دکتر فنا بوده است و نسخه دیگر در کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی به شماره ۹۲۶۱ موجود است. با توجه به نسخه کتابخانه مرعشی نجفی باز تصحیح این اثر سترگ و گرانقدر موجه خواهد بود.

تعلیقه بر اشارات: از این رساله تنها دو برگ باقی مانده است. قرچغای خان در آغاز این رساله می‌نویسد: «این تعلیقات بر شرح اشارات محقق طوسی - رحمه الله - از تألیف کمترین کمتران علیقلی بن قرچغای خان از برای فرزند عزیز خود محمد مهدی - نصره الله بنور علمه و هداه الی معدن حکمته - که در اثنای درس و تعلیم او مسائل مهمه و مباحث مفصله را به اصول معتمده حکیم بزرگ ارسطاطالیس - قدس الله بسرّه العزیز - بفضل الله و عونہ مبرهن

و منقح ساخته تحریر کردم تا آن فرزند عزیز و جمیع فرزندان روحانی متورث و متنعم گردند». از این رساله یک نسخه کتابخانه ملک به شماره ۶۳۵۳/۱ موجود است. زبان رساله فارسی است.

مرآة المثل: در آغاز این رساله آمده است: «و بعد این رساله‌ای است از کمترین بندگان علیقلی بن قرچغای خان در بیان اثبات عالم مثل عقلیه و خیالیّه مستغنی از ماده و موضوع چنان‌که صریح آیات قرآن حکیم و احادیث انبیاء و اوصیاء و کلام حکمای الهی مثل انبازقلس و فیثاغورس و سقراط و افلاطون و ارسطاطالیس است». تاریخ تحریر این رساله سال ۱۰۸۳ بوده است. از این رساله یک نسخه به خط مؤلف در کتابخانه دانشگاه تهران به شماره ۷۴۳۱/۲ موجود است. زبان رساله فارسی است.

علم اجمالی و تفصیلی واجب تعالی شأنه و عقول قادسه و نفوس ناطقه فلکیه و انسانیه: این رساله مشتمل بر نه مقاله است. این رساله را دکتر محمد اکوان در سال ۱۳۷۹ تصحیح و انتشارات نورالتقلین آن را منتشر کرده است.

وحدت هویت و شیئیت حقّه: قرچغای خان در آغاز این رساله می‌نویسد: «و بعد، این رساله‌ای است از کمترین بندگان علیقلی بن قرچغای خان در بیان وحدت هویت و شیئیت حقّه و انحصار مصداق و منشاء انتزاع مفهوم هویت و شیئیت صادق اعتباریه ذهنیه، در ذات اقدس باری تعالی و تقدس به مسلک انبیا و اولیا و حکمای الهی، نه به مسلک عوام صوفیه و سوفسطائی که از حدیث شریف وارده در بیان عالم مثال و اظلال، استنباط و اقتباس کرده، در برابر وحدت وجود؛ بل وحدت موجود عوام صوفیه، مسمی به وحدت هویت و شیئیت حقّه معصومیّه (کذا) ساختم». از این رساله یک نسخه به خط مؤلف در کتابخانه دانشگاه تهران به شماره ۷۴۳۱/۳ موجود است. زبان رساله فارسی است.

فرقان الرأیین و تبیان الحکمتین فی الفرق بین حکمة القدماء مثل ارسطاطالیس و

أفلاطون و المتأخرین مثل الفارابی و الشیخ الرئیس و المیرالد اماماد: در این رساله قرچغای خان به بیست و چهار مسئله اختلافی بین حکما اشاره کرده است (امین، ۱۴۰۳، ج ۸: ۳۰۲). از این رساله نتوانستیم اثری بیابیم.

آغاز و انجام قدسی: این رساله سه مقاله و یک خاتمه دارد و موضوع آن طبق گفته قرچغای خان در آغاز این رساله درباره «بیان آغاز و انجام و مابین آغاز و انجام نفس ناطقه انسانی» است. از این رساله یک نسخه به خط مؤلف در کتابخانه دانشگاه تهران به شماره ۷۴۳۱/۴ موجود است. زبان رساله فارسی است.

مرآت جنت و نار: این رساله در بیان معاد و احوال نفوس در آخرت است که به شاه سلیمان صفوی اهدا شده است. از این رساله دو نسخه موجود است؛ یک نسخه در کتابخانه مجلس به شماره ۹۲۳۳ و نسخه دیگر در کتابخانه آیت الله گلپایگانی به شماره ۵۰۴۳ — ۲۳/۱۳۳ است. زبان رساله فارسی است.

مرآة الوجود و الماهیة: این رساله در مسئله وجود و ماهیت نگاشته شده است. از این رساله یک نسخه به خط مؤلف در کتابخانه دانشگاه تهران به شماره ۳۲۳۵/۲ موجود است. زبان رساله فارسی است.

تنقیحات (آقابزرگ، ۱۴۰۳، ج ۴: ۴۶۸).

تمهیدات / تمهیدات فی الفلسفة (همان: ۴۳۴-۴۳۵).

حدودات و قانونات: در آغاز این رساله، قرچغای خان نوشته است: «... بعد این رساله‌ای است از کمترین بندگان علیقلی بن قرچغای خان در حدود و قوانین حکمت که از نور واهب عقل و حیات به خاطر قاصر این حقیر ساطع و لامع شده... این را مشتمل بر ۲۸ فصل و متحد به صد و هفتاد و اند حدود و خواص و قوانین که مسمی به حدودات و قوانین ساختم». از این رساله یک نسخه به خط مؤلف در کتابخانه دانشگاه تهران به شماره ۷۴۳۱/۱ موجود است. زبان رساله فارسی است.

آینه جهان‌نما: از این کتاب در فهرست‌ها چیزی نیافتیم؛ تنها نام این اثر در رساله آغاز و انجام قدسی آمده است. قرچغای‌خان می‌نویسد: «در بیان صدور موجودات از باری - جلّ شأنه و عظم سلطانه - و بیان حقیقت عالم منتظم جملی. به‌عنوان اجمال گوییم: در کتاب آینه جهان‌نما گفته‌ایم که حضرت باری - جلّ شأنه - اول چیزی که ایجاد کرد، نور شعشعانی مطلق و حجاب اقرب و اعظم یعنی عقل کلّ را ایجاد کرده...».

منطق: قرچغای‌خان این کتاب را در سال ۱۰۷۶ در سن ۵۶ سالگی به پایان رسانده است. آقابزرگ احتمال داده‌اند که شاید این کتاب بخش اول احیای حکمت باشد (آقابزرگ، ۱۴۳۰، ج ۸: ۴۱۰). از این رساله دو نسخه موجود است. نسخه اول در کتابخانه سید مهدی لاجوردی (در قم) به شماره ۱۶ و نسخه دیگر در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۱۱۲۰ موجود است. زبان این رساله فارسی است.

سبعه سماویة/ تعلیقات: این رساله در سیر سلوک نگاشته شده است. تاریخ نگارش این رساله سال ۱۰۶۹ و به خط برادرزاده مؤلف، محمد کاظم بن محمد علی بن قرچغای‌خان بوده است (همان: ۴۱۰). از این رساله یک نسخه در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۱۹۶۲۹ موجود است. همین نسخه به شماره ۷۲۵/۲ در کتابخانه آستان قدس نیز موجود است.

رساله در معرفت و نورانیت محمد و علی (ع)/ رساله ایمان و کفر: از این رساله یک نسخه در دانشکده الهیات دانشگاه تهران به شماره ۱۳۶/۲ موجود است. زبان رساله فارسی است.

فرشتگان و ملائکه: این رساله از آغاز و انجام افتادگی دارد. از این رساله یک نسخه به خط مؤلف در کتابخانه دانشگاه تهران به شماره ۷۴۳۱/۶ موجود است. زبان رساله فارسی است.

منتخب جاویدان خرد: رساله مختصری در سه بند عربی و خلاصه‌ای است از جاویدان خرد گنجور پسر اسفندیار ساخته مسکویه رازی. از این رساله یک نسخه به خط مؤلف در کتابخانه دانشگاه تهران به شماره ۷۴۳۱/۵ موجود است. زبان رساله عربی است.

کمال محمدی: آقابزرگ به این رساله اشاره کرده و نوشته است که صاحب ریاض نیز به این رساله اشاره داشته‌اند (آقابزرگ، ۱۴۰۳، ج ۱۸: ۱۳۷). با واکاوی ریاض‌العلماء این امر ثابت نشد؛ از این رو می‌توان گفت در قلم علامه آقابزرگ سهوی رخ داده است؛ اما خود قرچغای خان در رساله *مرآة المثل* به این رساله اشاره کرده است؛ از این رو این رساله از جمله آثار خود قرچغای خان است.

رساله سعدیه فی تهافت الصوفیة: به این رساله در آخر رساله *وحدت هویت و شیئیت* حقه قرچغای خان اشاره کرده است.

الإیمان الکامل: آقابزرگ درباره این رساله می‌نویسد: «فی الحکمة و المعارف للحکیم العارف علی قلی بن قرچغای خان صاحب إحياء الحکمة الذی فرغ منه سنة ۱۰۷۶ وله یومئذ ست و خمسون سنة و أحال إلى هذا الكتاب فی کتابه خزائن جواهر القرآن» (همان، ج ۲: ۵۱۴).

۲-۳-۲ آثار مشکوک

دیوان شعر: آقابزرگ دیوان شعری را با تردید به علیقلی بن قرچغای خان نسبت می‌دهد (همان، ج ۹/۳: ۷۶۱).

نزہة الزاهدين و تحفة العابدین: آقابزرگ این رساله را با تردید به علیقلی بن قرچغای خان نسبت می‌دهد. دلیل این مسئله هم این است که در اثنای کتاب عبارت «این شکسته بیچاره» آمده و زیر آن با نام «علیقلی» مهر شده است (همان، ج ۲۴: ۱۱۷-۱۱۸).

مرآة الإخوان فی الله: در فهرستواره کتاب‌های فارسی این رساله از قرچغای خان دانسته شده است (منزوی، ۱۳۸۲، ج ۶: ۶۰۲)؛ اما در ابتدای رساله نامی از نویسنده آن نیست. از آنجا که در بیشتر رساله‌ها، قرچغای خان به این عادت دارد که خود را مؤلف رساله معرفی کند، انتساب این رساله به قرچغای خان تأمل‌برانگیز است. از این رساله یک نسخه در کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی به شماره ۹۵۹۱/۳ موجود است. زبان رساله فارسی است.

رسالة فی العلم: در ماهیت علم و اقسام آن و نیز بحث از نحوه وجود ماهیات در ذهن بآنفسها یا بشبجها و درباره معرفت حقیقی و مجازی و... تحریر این رساله در ربیع‌الثانی ۱۰۸۳ به پایان رسیده است. در فهرست این کتاب با تردید به قرچغای‌خان نسبت داده شده است (دانش‌پژوه، ۱۳۳۹، ج ۸: ۴۱۱). از این رساله یک نسخه در کتابخانه دانشگاه تهران به شماره ۱۸۱۸/۳ موجود است. زبان رساله فارسی است.

صلوات: در این رساله یک صفحه‌ای بر پیامبر و ائمه اطهار صلوات فرستاده شده است. بالا و پایین این رساله از بین رفته است. البته در انتساب این رساله به قرچغای‌خان هیچ دلیل قطعی وجود ندارد و از آنجا که این رساله در ادامه تفسیر خزائن جواهر القرآن قرچغای‌خان نقل شده است، برخی از فهرست‌نگاران این صلوات را به وی نسبت داده‌اند (فنخا، ۱۳۹۰، ج ۲۱: ۸۱۴).
الوجود: از این رساله یک نسخه در کتابخانه مجلس به شماره ۱۰۱۲۴/۱۳ موجود است. زبان رساله فارسی است.

۳- شوقنامه عباسی

۱-۳ درباره نسخه خطی

نسخه منحصربه‌فرد شوقنامه عباسی در کتابخانه و موزه ملی ملک به شماره ۴۰۹۷/۵ نگهداری می‌شود. این نسخه در حاشیه نسخه دیگر از نویسنده ناشناخته است. رساله از برگ ۱ تا ۱۳ پ ادامه دارد. بخش‌هایی از نسخه از بین رفته؛ از این رو برخی از عنوان‌ها و شعرها هم از بین رفته است و خواندن نیست. فرسودگی و از بین رفتگی نسخه در همه صفحات دیده می‌شود. نسخه از آغاز افتادگی ندارد؛ اما از پایان با توجه به عنوانی که نقل شده و در ذیل آن شعری بیان نشده است، معلوم می‌شود که افتادگی دارد؛ بنابراین نسخه ناقص است. خطی که رساله با آن نوشته شده است، شکسته نستعلیق است. از آنجا که شوقنامه عباسی در حاشیه رساله دیگر نوشته شده و به صورت شعر است، سطرهایی که در هر صفحه وجود دارد، گاه تا ۳۷ سطر نیز می‌رسد.

قرچغای خان برای هر قسمت از شعرهایی که تلخیص کرده، عنوان‌هایی را برگزیده است که با عنوان‌های مولوی در مثنوی معنوی سازگار نیستند. این عنوان‌ها با رنگ قرمز نوشته شده‌اند. روش قرچغای خان در انتخاب شعرها به ترتیب دفترهای مثنوی نیست. وی شعرها را در ۵۶ عنوان دسته‌بندی کرده است که این شعرها از دفترهای مختلف مثنوی معنوی انتخاب شده‌اند. گاه در ذیل یک عنوان نیز شعرهای مختلف از حکایت‌های مختلف نقل کرده است؛ از این رو برای نقل شعرهایی که در ذیل هر عنوان آمده باید همه ابیات بحث شود و به جای جای مثنوی معنوی ارجاع داده شود؛ اما با بررسی اجمالی که بر روی نسخه و اشعار منتخب آن انجام شد، می‌توان دانست که قرچغای خان به دفتر اول و ششم مثنوی معنوی توجه بیشتری داشته است.

۲-۳ سبب تألیف رساله و مسائل مربوط به آن

قرچغای خان در ابتدای این رساله این مسائل را بیان کرده است: الف) سبب تألیف رساله؛ ب) پادشاهی که به دستور آن، رساله نوشته شده است؛ ج) نام رساله؛ د) توصیه به خوانندگان برای چگونگی خواندن رساله.

وی در آغاز رساله می‌نویسد: «و بعد، چون همواره طینت و جبلیت روحانی و طبیعت و غریزت نورانی پادشاه صورت و معنی، و آفتات حسی و عقلی، خلف صدق نور مصطفوی، میوه باغ روح مرتضوی، یعنی همان عرش نشان ظل‌اللاهی، شاه درویشان ولی‌اللاهی، شاه عباس الحسینی المصطفوی خلد الله تعالی ملکه و سلطانه و ضاعف عدله و فضله و احسانه، مایل و مشتاق سخنان شورانگیز عالم روحانی و اشعار عشق‌آمیز اقلیم نورانی بود، لهذا خام خادمان درویشان علیقلی بن قرچغای خان اشعار شوقناک و ابیات سوزناک چند از مثنوی مولوی معنوی، سلطان العارفین، و قطب الوالیهین و العاشقین مولانا جلال الدین الرومی قدس سره اللطیف و نور مرقده الشریف که فی الحقیقه باد مراد کشتی شوق مشتاقان و حدی والهان و مجذوبان و براق معراج عارفان و عاشقان است ترتیب و تألیف نمود تا از خواندن آنها شوق و جذب و عشق آن پادشاه عاشقان حقیقی و مریدان و مخلصان او زیاده و مضاعف گردد. و این

رساله قدسیه را به نام نامی سامی گرامی او، که هزار جان گرامی فدای نامش باد، مزین و منور ساخته "شوقنامه عباسی" نام نهاد؛ اما بهتر و خوب‌تر آن است که این رساله قدسیه به آواز حزین و لحن این خواننده شود تا اثرش بیشتر و قوی‌تر باشد» (قرچغای‌خان، گ ا پ). گفتنی است منظور از شاه عباس در متن، قرچغای‌خان شاه عباس دوم است.

۳-۳ محتوای رساله شوقنامه عباسی

همان‌طور که بیان شد، شوقنامه عباسی در اصل تخلصی از مثنوی معنوی است. قرچغای‌خان در ۵۶ عنوان (البته تا جایی که نسخه باقی مانده است) شعرهایی را از مثنوی معنوی تخلص کرده است؛ برای مثال در برگ‌های اولیه این رساله عنوان‌های ذیل را انتخاب کرده است:

۱) در بیان فراق عاشق از معشوق به سبب میل و تعلق او به عالم طبع و حس و درد و الم مفارقت: این قسمت با بیت «بشنو از نی چون حکایت می‌کند / از جدایی‌ها شکایت می‌کند» آغاز می‌شود؛ ۲) حکایت مناسب حال: در این قسمت داستان طوطی و بازرگان از دفتر اول به صورت گزیده بیان شده است. ۳) رجوع به حکایت: در قسمت ادامه داستان طوطی بازرگان. ۴) در مدح عشق...؛ ۵) بار دیگر تازیانه زدن به عاشق از برای طلب جست‌وجوی معشوق و بار دیگر بی‌قرار شدن عاشق از درد و الم مفارقت و پریشان‌گفتن؛ ۶) در نوحه و زاری عاشق به معشوق و تملق و لابه‌کردن؛ ۷) در بی‌تابی و بی‌طاقتی عاشق به سبب تغافل‌های بسیار و به درد و سوز تمام سربازانه و بی‌خودانه طلب وصال و مشاهده جمال معشوق کردن؛ ۸) نصیحت کردن ناصحان، عاشق را؛ ۹) جواب‌گفتن عاشقان ناصحان را؛ ۱۰) دل‌داری کردن معشوق عاشق را در غم و الم مفارقت و...

از عنوان‌های بالا و عنوان‌های مشابهی که قرچغای‌خان در ادامه برای شعرها انتخاب کرده است، می‌توان دانست که وی مثنوی معنوی را حول داستان عاشق و معشوق تفسیر می‌کند و در بیشتر عنوان‌ها از عاشق و معشوق سخن به میان می‌آورد؛ از این‌رو مفاهیم وصال، فراق، الم، مفارقت، درد، زاری و... که خاصیت عاشقی و معشوقی است، در عنوان‌ها نمود بیشتری دارد.

در این میان برای رسیدن عاشق به معشوق نیاز به پیر و مرشد راه بلد است که عاشق مسیر خود را در راه رسیدن به معشوق گم نکند؛ به همین سبب، قرچغای خان چند عنوان محدود را نیز به پیر و مرشد اختصاص داده است. این عنوان‌ها عبارت‌اند از:

(۱) در تعلیم و ارشاد پیر مرعاشق را بار دیگر به مردن و فانی شدن از حول و قوت و مراد و تدبیر خود تسلیم شدن به حول و قوت مراد و تدبیر معشوق و تأکید کردن و محضرساختن به این وصال مطلوب را. قرچغای خان در ذیل این عنوان به اشعار بخش نودوششم مثنوی معنوی «در تفسیر ماشاءالله کان» اشاره می‌کند و عنوان را با این بیت آغاز می‌کند: «این همه گفتیم، لیک، اندر بسیج / بی‌عنایات خدا هیچیم هیچ» (رک. مولوی، ۱۳۸۷: ۸۴).

(۲) در مدح پیر و مرشد عارف که سبب وصال معشوق است و به آن تقرب. مدح زبده العارفين و قدوة المرشدين چلبی حسام‌الدین قدس سره کردن. در ذیل این عنوان به اشعار بخشی از دفتر اول مثنوی معنوی «در صفت پیر و مطاوعت وی» اشاره شده است. این عنوان با بیت «ای ضیاء الحق حسام‌الدین بگیر / یک دو کاغذ بر فزا در وصف پیر» آغاز می‌شود (رک. مولوی، ۱۳۸۷: ۱۲۹).

همان‌طور که از بیت آغازین این عنوان پیداست، مولوی به حسام‌الدین دستور می‌دهد که صفت‌های پیر طریقت را - که مولوی برمی‌شمرد - ثبت کند؛ اما از عنوان قرچغای خان مشخص می‌شود که گویا این پیر همان حسام‌الدین است که مولوی ویژگی‌های او را به‌عنوان پیر برای دیگران بازگو می‌کند؛ از این رو می‌توان گفت که شاید در نظر قرچغای خان، حسام‌الدین چلبی مصداق بارز پیر طریقتی است که مولوی آن را به تصویر می‌کشد.

در اواخر رساله، قرچغای خان به داستان پادشاه و پسرانش که در دفتر ششم مثنوی معنوی تحت عنوان «حکایت آن پادشاه و وصیت کردن او سه پسر خویش را که درین سفر در ممالک من فلان جا چنین ترتیب نهید و فلان جا چنین نواب نصب کنید، اما الله الله! به فلان قلعه مروید و گرد آن مگردید» (مولوی، ۱۳۸۷: ۱۰۴۴) پرداخته و چند برگ را به تلخیص این داستان اختصاص داده است. قرچغای خان در عنوانی که به این ابیات می‌دهد،

غرض خود از بیان آن‌ها را روشن می‌کند. وی می‌نویسد: «در بیان حالات و مقالات عاشق از ابتدا تا انتها در ضمن حکایت عاشق شدن شاهزاده‌ها...». قرچغای خان در چند عنوان به این داستان می‌پردازد:

(۱) سفرکردن شاهزاده‌ها...؛ (۲) عاشق شدن شاهزاده‌ها به صورت شاهزاده چین؛ (۳) روان شدن شاهزاده‌ها در ملک پدر به سوی بلاد چین؛ (۴) بی‌تاب شدن و بی‌صبری کردن برادر بزرگین در الم و مفارقت؛ (۵) نصیحت کردن آن برادر دیگر بزرگین را؛ (۶) جواب گفتن بزرگین ایشان را؛ (۷) رفتن شاهزاده به نزد پادشاه چین؛ (۸) نواختن پادشاه چین شاهزاده را و از والهان و مقربان خود کردن؛ (۹) تاب‌نیاموردن جسم شاهزاده لمعات جمال معشوق [را و] شاعات آفتاب جمال او گذاختن و از بدن مفارقت [کردن]؛ (۱۰) حاضر شدن برادر میانین بر جنازه بزرگین و دیدن پادشاه او را و نوازش کردن و منصب برادرش او را به او دادن؛ (۱۱) عجب و خودبینی کردن شاهزاده از دیدن لطف و صفا و بهای جمال معشوق در خود؛ (۱۲) ... دل پادشاه از عجب شاهزاده.

در پایان رساله دوباره به عاشق و معشوق و وصال و فراق بازمی‌گردد و رابطه این دو را در نسبت‌های مختلف می‌سنجد. در این قسمت قرچغای خان از عنوان‌های ذیل استفاده کرده است (عنوان‌ها انتخابی است):

(۱) در بیان ذوق بشارت وصال و حلاوت اشارت اتصال؛ (۲) در بیان رسیدن عاشق به وصال معشوق در ضمن حکایت عاشق صدر جهان (منظور قرچغای خان این بیت از دفتر سوم مثنوی معنوی است که مولوی در ذیل عنوان «جذب معشوق عاشق را من حیث لا یعمله العاشق و لا یرجوه و لا یخطر بباله و لا یظهر من ذلک الجذب اثر فی العاشق الا الخوف الممزوج بالیاس مع دوام الطلب» می‌نویسد: «گوش دار اکنون که عاشق می‌رسد/ بسته عشق او را به حبل من مسد» (رک. مولوی، ۱۳۸۷: ۵۲۸)؛ (۳) نوازش کردن و پرستش نمودن معشوق عاشق را از رنج غربت و الم و مفارقت دور و دراز؛ در بیان سکر و مستی عاشق از نوازش‌های معشوق و ...

با توجه به آنچه گفته شد و عنوان هایی که قرچغای خان برای ابیات منتخب خود انتخاب کرده است، شاید بتوان این نتیجه را گرفت که وی سعی بر آن داشته است تا به اشعار مولوی در تلخیص خود، سیری منطقی بدهد. توضیح آنکه در عنوان های اولیه، عاشق از درد و الم مفارقت در شکایت است و می کوشد تا به وصال معشوق برسد؛ از این رو عنوان هایی مانند وصال و فراق، رنج، الم، مفارقت و... در عنوان های انتخابی قرچغای خان بسیار دیده می شود. در ادامه مسیر، عاشق به این نتیجه می رسد که باید با پیر و مرشد همراه شود تا وی را در رسیدن به معشوق راهنمایی و همراهی کند. قرچغای خان در ادامه مسیر با ذکر تمثیل شاهزاده ها، خود را به مقصد نهایی نزدیک می کند. در مقصد نهایی گویی عاشق به وصال معشوق رسیده است و با او در بزم محبت روبه رو نشسته و به نوعی به وصال او دست یافته است.

۴- نتیجه گیری

رساله شوقنامه عباسی تلخیصی از مثنوی معنوی است که در آن قرچغای خان کوشیده است با خلق دوگانه عاشق و معشوق و روابط و نسبت هایی که بین این دو وجود دارد - اعم از فراق و وصال، رنج و شادی، الم و درد، زاری و لابه و... - شعرهایی از مثنوی را برگزیند که این خود تاحدی دیدگاه تفسیری قرچغای خان را نسبت به مثنوی معنوی نشان می دهد. نتیجه دیگر آنکه با توجه به فرسودگی و از بین رفتن بخشی از نسخه، پژوهشگر علاوه بر تصحیح باید آن را بازسازی نیز بکند که این کار وابسته به تسلط بر مثنوی معنوی و تاحدی منظومه فکری قرچغای خان است.

منابع

۱. آقابزرگ تهرانی، محمدحسن (۱۴۰۳)، الذریعة إلى تصانیف الشیعة، چ سوم، بیروت: دار الاضواء.

۲. آقابزرگ تهرانی، محمد محسن (۱۴۳۰)، *طبقات أعلام الشيعة*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳. امین، محسن (۱۴۰۳)، *أعیان الشيعة*، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
۴. امین، حسن (۱۴۰۸)، *مستدرکات أعیان الشيعة*، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
۵. دانش‌پژوه، محمد تقی (۱۳۳۹)، *فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران* (جلد هشتم)، تهران: دانشگاه تهران.
۶. درایتی، مصطفی (۱۳۹۰)، *فهرستگان نسخه‌های خطی ایران* (فنخا)، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
۷. صدر، حسن (۱۴۲۹)، *تکملة أمل الآمل*، تحقیق حسینعلی محفوظ، بیروت: دار المؤرخ العربی.
۸. قرچغای‌خان، شوقنامه عباسی، نسخه خطی شماره ۴۰۹۷/۵ مدرسه سپهسالار.
۹. قرچغای‌خان، علیقلی (۱۳۷۷)، *احیای حکمت*، تصحیح و تحقیق فاطمه فنا، با مقدمه غلامحسین ابراهیمی دینانی، تهران: دفتر نشر میراث مکتوب.
۱۰. قرچغای‌خان، علیقلی (۱۳۸۲)، «زبور العارفین»، تصحیح علی اوسط عبدالعلی زاده (ناطقی)، میراث حدیث شیعه، شماره ۱۱، ۱۰۷-۲۸۶.
۱۱. منزوی، احمد (۱۳۸۲)، *فهرستواره کتاب‌های فارسی*، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
۱۲. مولوی (۱۳۸۷)، *مثنوی معنوی*، تصحیح نیکلسون، نقد و تحقیق عزیزالله کاسب، چاپ ششم، تهران: گلی.
۱۳. نصرآبادی، میرزا محمد طاهر (۱۳۱۷)، *تذکره نصرآبادی*، تهران: ارمغان.